شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
۳شنبه
۲۸ بهمن ۱۳۹۹
۴ رجب ۱۴۴۲
شماره ۳۳۲۵
SHAHRARANEWS.IR
روزنو

پارکور روی تخت جمشید!

مدت‌هاست درپی بی‌توجهی به آثار باستانی، پای پارکوربازان به ابنیه تاریخی باز شده است

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

روایت روز

تصویر آشنایی است و در خیلی از مکان‌های تاریخی کشورمان و بر بدنه آثار باستانی به چشم می‌خورد؛ یک نفر اسمش را با اسپری مشکی‌رنگ روی در و دیوار نوشته و دیگری، امضا کرده و به‌احتمال با یک دسته کلید تاریخ زده و امضای کج‌ومعوجی از خودش به‌جا گذاشته است. کنار این‌ها بگذارید حفره‌ها و کنده‌کاری‌ها و رد ضربه‌هایی که بر ریشه‌های فرهنگ و تمدن مملکتمان به چشم می‌خورد. بااین حال، به‌ظاهر این قبیل تخریب و تفریح کفایت نمی‌کرده و حالا مدتی است که شاهد ظهور یک نوع دیگر از وندالیسم در آثار تاریخی خود هستیم؛ پارکورکارهایی که به‌نظر مکان بهتری از بناهای تاریخی پیدا نکرده‌اند و تصمیم می‌گیرند حرکات نمایشی خود را در این مکان‌ها انجام دهند، یک روز در تخت‌جمشید فارس و روزی دیگر در سی‌وسه پل اصفهان.

پارکورکارها از تاریخ صفوی سی‌وسه‌پل هم بالا رفتند

۲۵بهمن ماه بود که ویدئوی کوتاهی از یک نوجوان پارکورکار در تخت جمشید استان فارس در فضای مجازی دست‌به‌دست شد. ویدئویی که پسر نوجوان شانزده‌ساله آن، روی سنگ بنای میراثی که ۴۲سال پیش به ثبت جهانی رسید، به جست‌وخیز مشغول بود. هنوز دوسه روز از این اتفاق نگذشته که مشابه همین اتفاق مثل یک همه‌گیری در نقطه‌ای دیگر رخ نشان داده است. این‌مرتبه در یک بنای تاریخی دیگر یعنی سی‌وسه پل اصفهان. ماجرایی که با انتشار یک ویدئوی کوتاه در اینستاگرام شروع شد و واکنش‌هایی را به‌دنبال داشت. زهرا کشوری، خبرنگار حوزه محیط زیست و میراث فرهنگی، در توئیتی به این ماجرا اشاره کرد و داستان نهفته پشت آن که به‌نظر تکراری است، نه شهرداری مسئولیت آن را می‌پذیرد و نه میراث فرهنگی: «پارکورکارها از تاریخ صفوی سی‌وسه پل هم بالا رفتند. میراث فرهنگی می‌گوید پل‌های تاریخی اصفهان معبر شهری است، پس نظارت با شهرداری است. شهرداری هم می‌گوید پل‌ها آثار تاریخی است و مسئولیت با میراث فرهنگی است. در میان دعوا سر نخواستن تاریخ صفوی اصفهان، پارکوربازها درحال تخریب سی‌وسه پل‌اند.»

چرا کسی مسئولیت قبول نمی‌کند؟

روزنامه ایران با فریدون اللهیاری، مدیرکل میراث فرهنگی، گفت‌وگویی داشت که جواب جالب و عجیبی هم گرفت: «این پل‌ها معبری شهری محسوب می‌شوند. کنترل رفت‌وآمد روی آن‌ها برعهده شهرداری است، اما مرمت و حفاظت کالبدی آن را میراث فرهنگی انجام می‌دهد.» توجیه عجیب‌تر البته این بود که به گفته اللهیاری، روزانه نزدیک به ۴۰ تا ۵۰هزار نفر از روی پل‌های تاریخی عبور می‌کنند و کنترل آن‌ها از توان میراث فرهنگی خارج است!

قسمت دیگر ماجرا هم همان داستان همیشگی کمبود نیروی میراث فرهنگی بود. داستان اما وقتی جالب‌تر می‌شود که شهرداری اصفهان به‌عنوان طرف دیگر ماجرا، مسئول حفاظت از آثار تاریخی اصفهان را میراث فرهنگی می‌داند. حسین امیری، معاون خدمات شهری شهرداری اصفهان، هم در گفت‌وگویی که با روزنامه ایران انجام داد، درست برعکس جواب میراث فرهنگی را بیان کرد: «پل‌های تاریخی یا میدان نقش جهان معبری شهری محسوب می‌شود، اما به‌معنای نفی مسئولیت میراث فرهنگی و حفاظت یگان میراث فرهنگی از آثار تاریخی نیست.»

واقعا چگونه این خلأ حفاظتی روی داده است آقای مدیر؟

حضور نوجوان پارکورکار در محوطه تاریخی تخت جمشید در فضای مجازی به‌سرعت واکنش تند و اعتراض فعالان حوزه میراث فرهنگی را در پی داشت. حالا بماند که این نوجوان برای کاری که انجام داده بود عذرخواهی کرد و گفت از قوانین میراث فرهنگی آگاهی نداشته‌است. اما این سؤال هم پابرجاست که چرا یک پسر نوجوان شانزده ساله، نه در خانواده و نه در سیستم آموزشی، هنوز به این درک نرسیده است که طریقه مواجهه با بناهایی که تاریخ و گذشته پروپیمانی دارند، چگونه است. او بعد از عذرخواهی گفته بود: «با همراهی پسردایی‌ام در مجموعه جهانی تخت جمشید چند حرکت نمایشی اجرا و فیلمبرداری کردیم و بعد از تذکر گرفتن از میراث‌بانان مجموعه را ترک کردیم.» این داستان واکنش‌هایی را هم از سوی کاربران فضای مجازی به‌دنبال داشت. فردی نوشته بود: «تخت جمشید یک بنای ثبت شده در فهرست میراث جهانی است و حفاظت از آن باید بسیار سخت‌گیرانه‌تر از این باشد.» دراین میان، پای مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید هم به میدان باز شد. او معتقد بود این ویدئو متعلق به تابستان است و علت این اتفاق را چنین بیان کرد: «این اتفاق ناگوار در روزهایی افتاده که متأسفانه همه‌گیری جهانی کرونا بوده و از خلوتی سایت تخت‌جمشید سوءاستفاده شده است. البته شاید این اتفاق در بین تعویض نوبت یگان حفاظت رخ داده باشد. شاید هم مشکل از دوربین ناحیه یادشده بوده است.» او البته در این بین سؤالی را هم ذکر کرد که به‌نظر می‌رسد خودش بیشتر از هر شخص دیگری مخاطب آن است: «جای سؤال است که چگونه این خلأ حفاظتی روی داده است؟»

فارس، اصفهان، خوزستان، یزد و...

از این قبیل اتفاقات البته کم نداشته‌ایم. اگر خاطرتان باشد مردادماه ۹۸ بود که ۲مرد از دیواره ارگ کریمخان، که یکی دیگر از آثار ملی ثبت شده است، بالا می‌رفتند؛ ۲مردی که بعدها در فضای مجازی از آن‌ها با عنوان مردهای عنکبوتی یاد شد. یا به‌عنوان مثالی دیگر، تیرماه ۹۹ بود که تصاویری در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخید که در آن یک گروه دوچرخه‌سوار درحال اجرای حرکات نمایشی بر بام آجری یک بنای تاریخی در استان فارس بودند. نکته جالب اینجا بود که هدفشان از این کار را حمایت از میراث فرهنگی بیان کرده بودند! پارکوربازی در مجموعه تاریخی قلعه سریزد و مجموعه تاریخی و جهانی شوش خوزستان هم از نمونه‌های مشابه دیگر این اتفاق تلخ است که در همه این سال‌ها اتفاق افتاده است و معلوم نیست اگر قرار باشد اوضاع به همین منوال پیش برود، همه‌گیری پارکوربازی در مکان‌های تاریخی، این‌مرتبه قرار است از کجا سر در بیاورد.

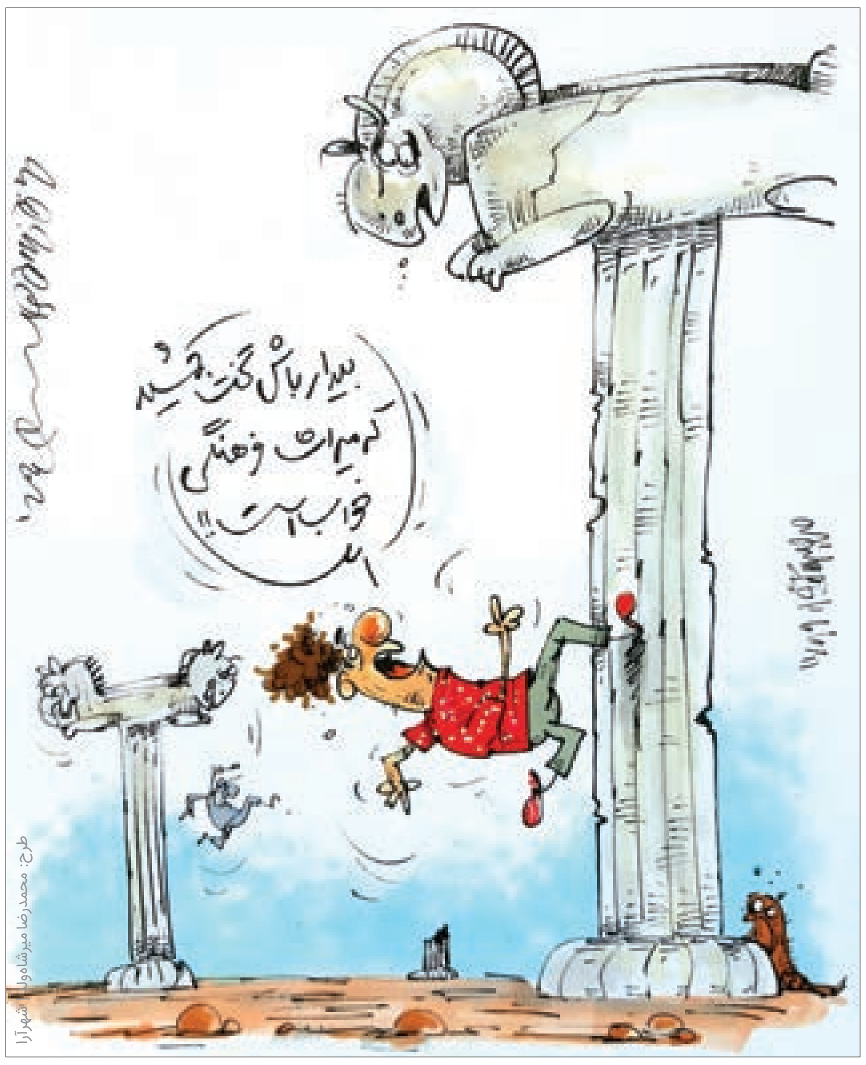
بیدار باش تخت جمشید که میراث فرهنگی خوابست!!

طرح: محمدرضا میرشاه‌ولد | شهرآرا

به‌بهانه انتشار خبر ساخت فصل سوم سریال «روزگار جوانی»

روزگار جوانی بازمی‌گردد؟

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

۵سال آخر دهه ۷۰ و ۵سال اول دهه ۸۰ دوره اوج ساخت و پخش سریال‌هایی است که هنوز هم پس از گذشت ۲دهه نه‌تنها حال تماشاچیانی که در آن سال‌ها این مجموعه‌ها را تماشا می‌کردند خوب می‌کنند و وجه نوستالژیک و احیای خاطرات گذشته دارد، بلکه کسانی را که در آن سال‌ها اصلا به دنیا نیامده بودند یا سن کمی داشتند هم مجذوب خود می‌کند. نشان به آن نشان که سریال‌های بازپخشی شبکه‌ای مثل آی‌فیلم یا تماشا در همین روزها، گاهی از سریال‌های ساخته‌شده کنونی پربیننده‌تر می‌شود. در آن سال‌ها سریال‌ها با فیلم‌نامه‌های خوب و بازی‌های اندازه ساخته می‌شد که مخاطب را درگیر خود می‌کرد. سریال‌سازی از لحاظ تکنیک و ابزار پیشرفت کرده و از نظر فنی و تصویر و صدا و صحنه‌پردازی این روزها کیفیت بهتری را می‌بینیم، اما آن متن‌های قوی و بازی‌های درخشان هنوز هم که هنوز است پربیننده‌تر هستند. یکی از این سریال‌ها که در دوره اوج سریال‌سازی تلویزیون ساخته شده و در دوره پخش و سال‌ها پس از آن با بازپخش‌های مکرر هنوز هم پرطرف‌دار است، سریال روزگار جوانی است. سریالی که شاید برای شما جالب باشد که نویسنده آن اصغر فرهادی است که این روزها او را به‌عنوان نویسنده و فیلم‌ساز جهانی کشور می‌شناسیم و علاوه بر ۲ اسکار فیلم خارجی‌زبان، نخل طلای فیلم‌نامه‌نویسی را هم از کن گرفته است. او در آن سال‌ها چندین و چند سریال را برای شبکه تازه‌تأسیس تهران نوشت و همسرش، پریسا بخت‌آورد، آن را کارگردانی کرد. حتی سریال در شهر را خود او نوشت و خودش هم کارگردانی کرد و در یکی‌دو قسمت آن نقش‌های کوتاهی هم داشت. حالا خبر آمده که فصل ۳ سریال روزگار جوانی پس از ۲فصل موفق اول و دوم که در سال‌های ۷۷ و ۷۸ ساخته شده، با همان کارگردان، یعنی اصغر توسلی، و با گروه نویسندگان و تهیه‌کننده دیگر جلو دوربین رفته است. روزگار جوانی در نیمه دهه ۷۰ درباره زندگی و روزگار چند جوان از اقصی‌نقاط ایران بود که برای تحصیل به تهران آمده بودند و در یک خانه باهم زندگی می‌کردند. این سریال در فصل جدید قرار است به جوانان متولد دهه ۷۰ و ۸۰ بپردازد و زندگی و مسائل و مشکلات آنان را بررسی کند. حالا باید دید که نوجوانان و جوانان نسل جدید هم مانند گذشتگان ۲۰سال پیش خود که حالا میان‌سال شده‌اند، با این سریال ارتباط خواهند گرفت یا مانند خیلی از سریال‌های آن دوره که بعدها فصل‌های دیگرشان بازسازی شده است، فقط خاطره گذشته را برهم خواهد ریخت. البته که اگر از دید بینندگان بگذریم، این سریال برای بازیگرانش هم موفقیت زیادی به ارمغان آورد و جزو معدود سریال‌هایی بود که هرکدام از بازیگرانش با وجود ناشناس‌بودن در ابتدای امر، از صحنه بازیگری محو نشدند و در سینما و تلویزیون ماندند. از بین گروه کیهان ملکی، نصرا... رادش، امین حیایی و بهزاد خداویسی و مهدی صبایی که بازیگران اصلی این سریال بودند، همه در فیلم و سریال‌های بعدی نقش‌آفرینی کردند و بازیگری مثل امین حیایی به سوپراستار سینما تبدیل شد و کیهان ملکی و مهدی صبایی تا حد زیادی کم‌کار شدند، اما هنوز هم جسته‌گریخته در تلویزیون و سینما حضور دارند و سرنوشتشان مثل بازیگران مجموعه خط قرمز، که آن هم سریالی جوان‌پسند در اوایل دهه ۸۰ بود، نشد. به‌هرحال چیزی که مشخص است، هنوز هم در اینستاگرام کلیپ‌های کوتاه سریال‌های قدیمی از همه بیشتر دیده می‌شود و مخاطبان بازنشرشان می‌کنند و در آی‌فیلم بیشترین تقاضا را از سوی بینندگان دارند و در توئیتر هم هنوز تکیه‌کلام بازیگران قدیمی است که دهان‌به‌دهان می‌چرخد. حالا باید دید یک سریال قدیمی وقتی ۲۰سال بعد به فصل جدیدش می‌رسد، بازهم همان اثرگذاری را دارد؟

Tweets

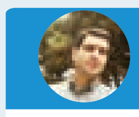

امیرعلی صفا | دانش‌آموخته حقوق بین‌الملل
@amiralisafa

وقتی آمار روزانه ۸۳نفر با شیب افزایشیه، نمی‌شه تعطیل کرد و محدودیت شدید ایجاد کرد؟ حتما باید آمار به ۳۰۰ برسه؟

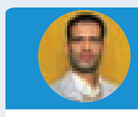

محسن رحیمی عنبران | عکاس
@AnbaranMohsen

در روزی که ناتو دست رد بر سینه هراتی‌ها زد، این آتش‌نشانان ایرانی بودند که بی‌محابا به دل آتش در کشور همسایه زدند تا مهار کنند حریق گمرک اسلام‌قلعه افغانستان را به رسم همسایگی مشهد.

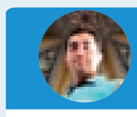

بهنام صمدی | خبرنگار
@behnamsamadi_ir

شما یادتون نمی‌آد یه زمانی در سال ۸۲ به مدت یک‌ماه دامنه نامتقارن داشتیم که آستانه بالاش صفر بود. یعنی هدف این بود بازار بریزه. ملت هم با اینکه می‌دونستن سود نمی‌کنن، بازم می‌خریدن.
وقتی ذهن معامله‌گر صفر و یک شده و عاشق صف خرید و صف فروشه، ۱۰- و ۲۰- بذاری بازم می‌ره توی صف.

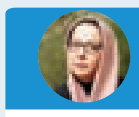

لاله صبوری | بازیگر
@LalehSabouri

مجبور شدم توی اسنپ با رادیو نمایش گپ زنده داشته باشم. تموم که شد، راننده پرسید: شما بازیگرید؟! گفتم: بله. گفت: از اون خیلی معروفا؟! گفتم: احتمالا نه، اگه بودم که الان من رو می‌شناختی.

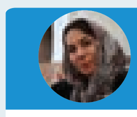

یگانه خدامی | خبرنگار
@YeganehKhodami

دوباره انسولین نیست. اومدم هلال احمر و هیچ‌کدوم از داروخانه‌هاش نووپید ندارن. با داروخانه‌های ۱۳آبان و ایثار و بیماری‌های خاص تماس گرفتم و گفتن ندارن. ۱۹۰ یه داروخانه رو اعلام کرد و گفت سریع برو شاید داشته باشه. مگه نگفتین انسولین تأمین شده؟ کو پس؟ این باید وضع من دیابتی باشه؟

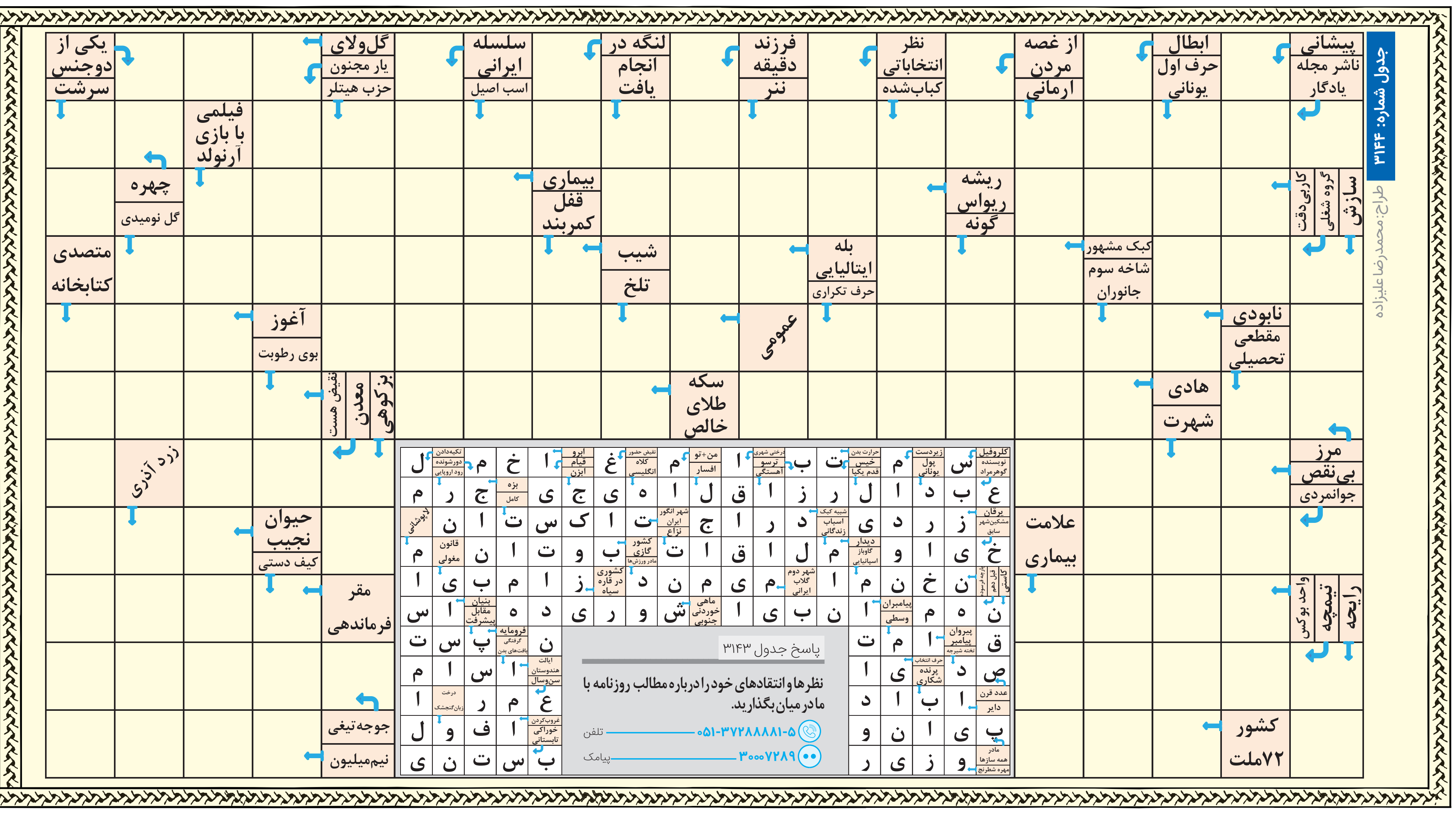

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

سودوکو
شماره ۳۵

۴	۸	۹	۵		۷	۱	۳	۲
۱		۷	۴	۸	۲			
۲	۵	۶	۱	۳	۹	۴		۸
۷		۸		۹	۴	۵	۲	۶
۹		۵				۳		
۳			۸	۲	۵	۷	۱	۹
۶	۹		۲	۵		۸	۴	
۸		۲	۶	۷	۳		۵	۱
۵	۷		۹				۶	

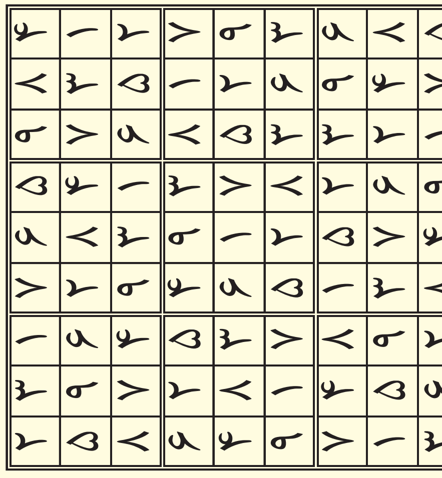پاسخ شماره ۳۵